

تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان

فارس

مجید موحد*، محمدجواد عسکری‌چاوردی**، زهرا یادعلی***

چکیده: ضرب‌المثل‌ها جملات کوتاهی هستند با مفاهیمی عمیق و برخاسته از قالب‌ها و تصورات اجتماعی که جهت‌گیری و تشخیص موقعیت‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. این مطالعه به دنبال بررسی بازتاب مفهوم زن و مسائل زنان در میان ضرب‌المثل‌های محلی شهرستان لامرد می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به گردآوری و تحلیل ضرب‌المثل‌هایی در خصوص زنان پرداخته شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان‌دهنده آن است که در این جامعه هیچ‌گونه نقش اجتماعی و یا حرفه‌ای برای زنان قائل نبوده و ضرب‌المثل‌ها پیرامون دو محور ویژگی‌های مختلف شخصیتی زنان و نقش‌های آن‌ها درون خانواده از جمله نقش مادری و همسری معطوف به مردسالاری موجود در این شهر شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، زن، لامرد، باورهای قالبی، پدرسالاری.

مقدمه

در هر فرهنگی مجموعه‌ای از باورهای قالبی، عموماً منفی، در مورد زنان وجود دارد. این امر همچنین در ادیان مختلف نیز مشاهده می‌شود. فرهنگ هر کشوری تأثیر ویژه‌ای بر نگرش‌ها و باورهای مردم آن کشور دارد و ضرب‌المثل‌ها به عنوان جملاتی کوتاه بیان‌کننده نگرش‌ها و باورهای مردم هر جامعه و ابزاری قدرتمند برای شکل دادن به آگاهی‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات اخلاقی هستند. دهخدا (۱۳۷۳) در تعریف ضرب‌المثل می‌نویسد: «ضرب‌المثل‌ها عبارات و جملات کوتاهی هستند که مفاهیمی عمیق را در بر دارند.

mmovahed@rose.shiasu.ac.ir

Askari_lar@yahoo.com

z_yadali@yahoo.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

** کارشناسی ارشد ایران شناسی دانشگاه شیراز

*** کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۲/۱۶

ضرب‌المثل نوعی تمثیل است و تمثیل مصدر عربی است به معنای آوردن. معیار دیگر ضرب‌المثل شاهد آوردن در سخن برای مخاطب توسط گوینده است. به گفته فخر رازی مقصود از ضرب در ضرب‌المثل آن است که مثل در دل نفوذ می‌کند که توصیف خود آن شیء را اثری نیست. (وطواط، ۱۳۷۶: ۲۲۹). ذوالفقاری (۱۳۸۶: ۳۲) نیز معتقد است «مثل» جمله‌ای است کوتاه، گاه استعاری و آهنگین، مشتمل بر تشبیه، با مضمون حکیمانه و برگرفته از تجربیات مردم که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند. در مواردی اثر یک «مثل» در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله است (همایی، ۱۳۷۴). بنا بر تعبیر میشل فوکو^۱ (۱۹۸۰) ما به‌عنوان موجودات انسانی، از طریق مباحثه، تفاسیری وابسته به پدیده‌شناسی از حیات روزمره‌مان داریم. مباحثه ساختاری است که راه تفکر کردن به شیوه موجودی انسانی را در این دنیا موجب می‌شود. تعابیر فوق نشانگر آن است که مردم از ضرب‌المثل‌ها برای حفظ زندگی جنسیتی‌شده و از طریق رساندن فهمی کلیشه‌ای از مردانگی و زنانگی در میان افراد استفاده می‌کنند.

در هر فرهنگی بر اساس نگرش‌های موجود نسبت به مردان و زنان به توصیف حالات روحی و رفتاری آن‌ها در قالب ضرب‌المثل، قصه و افسانه، لالایی‌ها، اشعار محلی و ... پرداخته شده است. ضرب‌المثل‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از هر فرهنگی هستند و تقریباً در همه زبان‌ها یافت می‌شوند. گاه دامنه این گونه ضرب‌المثل‌ها بسیار فراتر از قلمرو زبان یک کشور بوده و در میان ملل مختلف مشترک است و اگرچه در عبارت متفاوت هستند، اما در معنی و مفهوم یک مقصود را بیان می‌کند. لذا با واکاوی این ضرب‌المثل‌ها می‌توان دیدگاه‌های موجود درباره زنان را کشف نموده و جهت کاهش دیدگاه‌های منفی نسبت به زنان در پی راه‌حلی‌هایی بود. بنابراین توجه به جایگاه و موقعیت زنان در ضرب‌المثل‌ها امری ضروری بشمار می‌رود.

در این پژوهش به بررسی تصویر و نقش زن در ضرب‌المثل‌های محلی منطقه لامرد پرداخته می‌شود. منطقه لامرد منطقه‌ای گرمسیر در جنوب استان فارس است. در این ناحیه به دلیل ویژگی‌های آب و هوایی نامناسب و رایج نبودن کشاورزی و به ویژه صنعت، اغلب مردها جهت امرار معاش به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و یا نواحی دیگر مهاجرت کرده و دور از خانواده خود به سر می‌برند. این مورد در خود نام این شهرستان آشکار است به طوری که یکی از وجوه تسمیه نام این شهر را شهر بدون مرد (+مرد) می‌دانند.

^۱.Foucault. Michel

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۰۳

سؤالات پژوهش

با توجه به هدف ذکر شده برای این پژوهش سؤالات زیر مطرح گردیده است:

۱- ضرب‌المثل‌های لامردی چه تصویری از زنان ارائه می‌کنند؟

۲- چه نقش‌هایی برای زنان در ضرب‌المثل‌های لامردی تعریف شده است؟

مروری بر مطالعات پیشین

در مورد جایگاه زن در ضرب‌المثل‌ها پژوهش‌های نسبتاً اندکی انجام شده است، از جمله:

برهانی‌شهرستانی (۱۳۸۵) به گردآوری ضرب‌المثل‌هایی از کشورهای مختلف درباره زن پرداخته است. وی معتقد است که زن در ادبیات چه در قالب شعر، چه در قالب طنز و لطیفه همواره سوژه بوده است و اگرچه در بسیاری از این موارد به جنبه‌های منفی زن اشاره شده اما نکته مهم این است که زن موضوع مورد بحث بوده است.

کلهر (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «زن در ضرب‌المثل‌ها» به صورت روشمند و علمی به این موضوع پرداخته است اما پژوهش کلهر کلی است و محدوده خاصی را مد نظر ندارد. کاکولی (۱۳۸۵) در کتاب خود با عنوان «خانم‌ها نخوانند» به گردآوری و تنظیم ضرب‌المثل‌هایی از فرهنگ‌های مختلف در مورد زنان پرداخته و هیچ نگرش یا نظر خاصی را در این کتاب ارائه نمی‌کند. همچنین در برخی از نسخه‌های مجله سروش بانوان (شماره ۵۸، ۵۹ و ۶۰) نیز تنها یک صفحه به معرفی ضرب‌المثل‌هایی که در مورد زن است پرداخته شده است.

برنج^۲ (۲۰۰۵) در مقاله خود به بررسی کتب عهد عتیق مسیحیان از نظر وجود کلیشه‌های جنسیتی ضرب‌المثل مانند در آن‌ها می‌پردازد. وی دریافت که در این کتب کلیشه‌های جنسیتی بیان‌کننده ویژگی‌هایی اغراق‌آمیز برای افراد و گروه‌های مختلف جنسی، سنی، شغلی و غیره می‌باشند.

بک^۳ (۲۰۰۵) در مقاله خود در صدد بررسی ویژگی ارتباطی خاص ضرب‌المثل‌ها است که نقش مهمی در ایجاد ابهام (دروغ) ایفا می‌کنند. او به بررسی ریشه‌های استدلالی موجود در ایجاد ضرب‌المثل‌ها درباره موضوعاتی حساس از قبیل سن، تبار، جنسیت می‌پردازد. او دریافت که ضرب‌المثل‌های جنسیتی بیان‌کننده موقعیت فرودست زنان در جامعه پدرسالار هستند.

² Branch

³ Beck

کیمبا^۴ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تصویر پسران و دختران را در جامعه باگاندا بررسی می‌کند. وی در این مقاله تأثیراتی را که ادبیات شفاهی بر روی روابط جنسیتی می‌گذارد مورد تحلیل قرار داده و به دنبال ارزیابی روش‌های تأثیر ادبیات شفاهی، به عنوان عوامل تعیین‌کننده رفتارهای دو جنس است. او در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که ریشه روابط نابرابر جنسیتی میان دو جنس که در اشکال مختلفی از ادبیات شفاهی از جمله ضرب‌المثل‌ها یافت می‌شود، در چگونگی ایجاد جامعه‌پذیری جنسیتی در دوران کودکی افراد است. هانک^۵ (۲۰۰۰) در مقاله خود بیان می‌کند که ضرب‌المثل‌ها تاریخی طولانی و گوناگون در فولکلور، دین، فرهنگ، ادبیات و زبان شفاهی، سلامت روانی و فلسفه، روان‌شناسی و اخیراً علم معنا و ذهن دارند. وی در این مقاله به بررسی ریشه‌های نظریه‌های موجود در زمینه منشأهای ضرب‌المثل‌ها می‌پردازد.

مبانی مفهومی پژوهش

برخی نظریات روان‌شناختی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی و فمینیستی به طور ضمنی به تحلیل این مسئله پرداخته‌اند. اما هیچ‌یک از نظریات مستقیماً به موضوع مورد بررسی این مقاله نپرداخته‌اند. استلدر^۶ (۲۰۱۰) در تحقیقی که در مورد نقش ضرب‌المثل‌ها در تأمین آسایش روانی برای مردان انجام داد، چنین دریافت: زمانی که مردان مرتکب خطا یا عمل اشتباهی می‌شوند، نوعی آسان‌گیری نسبت به خطای آنان وجود دارد و از خطای مردان با ضرب‌المثلی از قبیل این که «زندگی کن و یاد بگیر» چشم‌پوشی می‌شود. درحالی‌که نه تنها چنین اغمازی نسبت به خطای زنان وجود ندارد، بلکه خطای آن‌ها مورد اغراق نیز قرار می‌گیرد. او به این نتیجه رسید که ضرب‌المثل‌ها مفردی روانی برای انجام اشتباهات مردان هستند و می‌توانند سنگینی بار خطای آنان را کاهش دهند، در صورتی که در مورد زنان عکس این قضیه دیده می‌شود، بدین شکل که نوعی برجسته‌سازی نسبت به خطاهای زنان در ضرب‌المثل‌ها صورت می‌گیرد که این امر در جهت خوارسازی موقعیت زنان به عنوان جنس دوم است. وی همچنین دریافته است که مردان، به لحاظ روان‌شناختی دچار پشیمانی و افسوس کمتری در مقابل عمل اشتباه خود هستند و این امر در ضرب‌المثل‌هایی از این قبیل آشکارست: هرکسی در زندگی اشتباه می‌کند.

4. Kiyimba

5. Honeck

6. Stalder

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۰۵

بنابر تحلیل‌های کریستوا^۷ فمینیست بلغاری در زبان‌شناسی فمینیستی موضوع کلیدی در تحلیل استدلالی نقش زن در ضرب‌المثل‌ها مفهوم بین‌متن‌گرایی^۸ است. از نظر او بین‌متن‌گرایی، نوعی ایجاد ارتباط چند دامنه و پویاست، به این معنا که تحلیل استدلالی از ضرب‌المثل‌های زنانه بدون توجه به دیگر ضرب‌المثل‌ها به طور عام و ضرب‌المثل‌های مردانه به طور خاص، امکان‌ناپذیر است. چرا که از نظر او در هر فرهنگی ضرب‌المثل‌هایی که در مورد هر دو جنس وجود دارند نقطه مقابل هم هستند (هانک، ۲۰۰۰؛ سانتی‌بانز،^۹ ۲۰۰۹).

میشل فوکو متفکر معاصر فرانسوی، ابداع‌کننده دیدگاهی با عنوان «روش‌های مشروعیت‌سازی»^{۱۰} است. این مفهوم بیانگر این است که هنرهای مردمی مانند ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و غیره همگی روش‌هایی هستند که هر جامعه‌ای از این طریق نابرابری‌های موجود در جامعه را مشروعیت می‌بخشد و از آن تحت عنوان «روش‌های مشروعیت‌سازی» نام می‌برد (رزاقی، ۱۳۸۷). بر اساس نظر فوکو، هر جامعه‌ای روش‌های مشروعیت‌سازی خاص خود را داراست، «سیاست‌های کلی» حقیقت خاص خود را دارد و این به معنای انواع مباحثاتی است که پذیرا و سازنده کارکردی به عنوان حقیقت هستند. به عبارت دیگر مکانیزم‌ها و روش‌هایی که شخص را قادر می‌سازد دست به تمایز قائل شدن میان بیانات صحیح و ناصحیح بزند، ابزارهایی که موجب تقدس‌سازی می‌شوند، تکنیک‌ها و روش‌هایی که موجب ارزش‌گذاری و کسب مشروعیت می‌گردند، همگی حامی منافع کسانی است که دارای موقعیت برتر در جامعه هستند و آنان تعیین می‌کنند چه چیزی به عنوان حقیقت باید محسوب شود (حسین^{۱۱}، ۲۰۰۹: ۹۷). البته لازم به ذکر است که نمی‌توان گفت که یقیناً این مردان بوده‌اند که سازنده ضرب‌المثل‌هایی این‌چنینی درباره زنان بوده‌اند تا موقعیت و جایگاه زنان را در جامعه پست نشان دهند. اما می‌توان با قاطعیت ادعا کرد که ضرب‌المثل‌های زنانه بیانگر و تقویت‌کننده موقعیت ثانویه زنان در جامعه هستند (فوکو، ۱۹۸۰).

آندره میشل (۱۳۷۶) در کتاب «پیکار با تبعیض جنسی» بر اساس مطالعات انجام شده در خصوص تصورات قالبی مشترک در جوامع مختلف، کلیشه‌های جنسیتی را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

7. Julia Kristeva

8. intertextuality

9. Santibanez

10. The Regime of Truth

11. Hussein

- ۱- نقش‌های مختلف در درون خانواده: نقش مادری، خدمت‌رسانی به سایر اعضای خانواده؛
- ۲- ویژگی‌های شخصیتی: در مقابل خلاقیت و فعال بودن مردان، زنان افرادی وابسته و منفعل هستند؛
- ۳- نقش‌های اجتماعی و سیاسی: فعالیت و مشارکت زنان در سطوح محلی است و در مقابل مردان از مسئولیت‌های اجتماعی برخوردار بوده و یا رهبر سیاسی هستند؛
- ۴- نقش حرفه‌ای: مشاغل به دو دسته زنانه و مردانه تقسیم شده، منشی‌گری و پرستاری نقش‌های زنان و در مقابل مردان نقش کارفرما را بر عهده دارند (میشل، ۱۳۷۶).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و مراحل زیر را پشت سر گذاشته است. در ابتدا با مراجعه به منطقه لامرد و با استفاده از مصاحبه حضوری با افراد محلی و با ضبط ضرب‌المثل‌های بیان شده و مکتوب نمودن آن‌ها به گردآوری ۵۰۰ ضرب‌المثل از نواحی مختلف این منطقه پرداخته شد. در پرسش از آن‌ها معنا و مفهوم هر کدام از ضرب‌المثل‌ها خواسته شد و برای اطمینان از صحت دقیق مفاهیم، برای هر ضرب‌المثل به چند نفر مراجعه شد که همگی جواب‌های مشابهی ارائه نمودند. در مرحله بعد با مطالعه ضرب‌المثل‌ها، جداسازی و تفکیک ضرب‌المثل‌هایی که به نوعی در ارتباط با زنان بوده و کلماتی نظیر: زن، مادر (دی)، دختر، دایه و امثال این در آن‌ها به کار رفته بود از سایر ضرب‌المثل‌ها انجام شد. پس از تفکیک به کدگذاری آن‌ها پرداخته شد و در این مرحله چند مفهوم مشخص شد. سپس، با بررسی دقیق‌تر کدگذاری محوری، بر اساس مفاهیم مشترک، دو محور فرعی و یک مفهوم واحد به دست آمد. جهت کسب اطمینان با مراجعه مجدد به منطقه لامرد ضرب‌المثل‌های دیگری نیز جمع‌آوری گردید تا آن‌جا که ضرب‌المثل‌ها مفاهیم مشترکی داشته و در میان آنان ضرب‌المثل جدیدی با مفهومی جدید پیدا نشد و در پایان نیز مفاهیم و محورهای به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری ضرب‌المثل‌هایی که به نوعی در ارتباط با زنان بودند و کدگذاری آن‌ها بر اساس مفاهیم مشترک و مرتبط، دو محور کلی ۱- ویژگی‌های مختلف شخصیتی زنان و ۲- نقش‌های آنان در درون خانواده موجود و یک مفهوم واحد دیدگاه مردسالارانه به دست آمد.

ویژگی‌های شخصیتی زنان

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۰۷

تفکر قالبی شامل باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی است و چون میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۷۵) یکی از ویژگی‌های آن، داشتن دامنه معانی محدود و تحقیرآمیز می‌باشد (کیسی، ۲۰۰۲: ۲۳۹). اکثریت ضرب‌المثل‌های گردآوری شده در این منطقه بیان‌کننده ویژگی‌های منفی و با معانی محدود و تحقیرآمیز نسبت به زنان هستند. با این وجود ضرب‌المثل‌هایی نیز دیده شده که به ویژگی‌ها و توانمندی مثبت و یا دوگانه زنان اشاره دارد؛ لذا ابتدا به ویژگی‌های شخصیتی منفی و سپس ویژگی‌های مثبت زنان که در ضرب‌المثل‌های لامردی مطرح شده است، می‌پردازیم:

۱- ویژگی‌های منفی زنان در ضرب‌المثل‌های لامرد:

- شیطان صفتی و وسوسه‌گری زنان

«زن بگیر، بی زن نشین، هر چند که زن شیطون‌گر است»

- سخن‌چینی زنان

«جیک جیک زنان، کشتار مردمان» و «من میگم برای خاله‌ام، خالم میگه برای عالم»

- مداخله زنان در امور دیگران

«تا خجو^{۱۲} زنده است، مَرُو بنده است»

دخالتهای زنان در اموری که به مردها (امور مردانه) مربوط می‌شود از دیگر ویژگی‌ها و خصلت‌های زنانه است که باعث بروز مشکلات در زندگی و به تعبیری دیگر فتنه‌انگیزی می‌شود. علاوه بر اشاره به مداخله زنان در امور دیگران، دخالت زنان در زندگی دختر بیش از همه خودنمایی می‌کند:

«مادر از دختر بدتر جای گفتنش نیست»

- **عجول بودن و دوراندیش نبودن زنان:** یکی دیگر از ویژگی‌ها و خصلت‌های زنانه است که زنان بدون فکر برخوردی احساساتی با مسائل کرده و آن را حادثه می‌کنند.

«مادر میره به قاضی، بچه میره به بازی»

- **زیاده‌گویی و پرحرفی زنان:** به عنوان مثال: «رینو خنجی (زینب خنجی)» و «مادر حرف» کنایه از زیاده‌گویی، پرحرفی و نق زدن زنان است.

^{۱۲} . اسم خاص

- عیب‌جویی و بهانه‌گیری زنان

«عروس پایین نمی‌یاد، پا آنداز^{۱۳} می‌خواهد» و «زن چیزی نیست، بهانه‌اش بچه است»

زن در این ضرب‌المثل موجودی است که دارای عیب است ولی بدون آن که عیب خود را ببیند و در صدد رفع عیب و مشکل خود برآید چیز دیگری (مثل بچه) را بهانه قرار داده و بهانه‌گیری بی‌مورد می‌نماید.

- خوش‌گذرانی زنان: خوش‌گذردی و کوچه‌گردی بی‌مورد زن را از دیگر ویژگی‌های زنان می‌شمارند.

«ما می‌رویم خانه خاله، خاله می‌رود چاله^{۱۴}»

- ناتوانی زنان در حل مشکلات: ناتوانی در حل مشکل زندگی خود و بی‌هنری زنان از ویژگی‌های

دیگر شخصیت زنان محسوب می‌شود و زنانی سعی می‌کنند با انجام ظاهرسازی عیب خود را بپوشانند:

«دختر سر خودش نمی‌توانست ببندد، رفت سر همسایه ببندد»

نالایقی، بی‌ارزشی و بی‌هنری زنان را در قالب این دسته از ضرب‌المثل‌ها می‌توان دید که به دنبال آن دوری از زنانی که نالایق هستند و ارزش زندگی کردن را ندارند، توصیه می‌شود: «زن مجانی، هلش بده تا بیفتد» و ضرب‌المثل زیر که زیاد بودن دختران دم‌بخت و کمبود مرد برای ازدواج با آنها را تأکید می‌کند:

«چوب به سر سگ بزن، زن آزش می‌ریزد»

- توجه به ظاهر و زیبایی زنان

اگرچه توجه به بدن و زیبایی و ارتباط آن با فرهنگ و هویت در دو دهه اخیر در حوزه نظریه‌پردازی مطرح شده و ترنر (۱۹۹۶) از «جامعه بدنی» و هنکوک (۲۰۰۰) از «عصر بدن» سخن می‌گویند اما نگاهی به ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که زیبایی و توجه به آن یکی از کانون‌های مورد توجه زندگی روزمره و ریشه‌دار برای زنان در طول تاریخ بوده است که بازتاب آن را در ضرب‌المثل‌ها می‌توان دید.

این ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهند که زیبایی در یک جامعه مردسالار و با نگاه جنسیتی به زنان جایگاهی ویژه دارد و همچنین بیان‌گر اهمیت زیبایی زن از نظر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه است.

«مثل ماه شب چهارده» / «مثل قرص ماه» /

«ناز عروس به جهیزیه‌اش است» / «عروس شکل ندارد اما ماشاالله به نازش»

^{۱۳}. زیر لفظی

^{۱۴}. چاله: چاله‌گردی، خانه‌گردی، کوچه‌گردی

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۰۹

ویژگی‌های شخصیتی مثبت زنان در ضرب‌المثل‌های لامردی:

در میان ضرب‌المثل‌هایی که به ویژگی‌های شخصیتی زنان اشاره می‌کند تعداد انگشت‌شماری ضرب‌المثل با نگاهی ویژه به زن، دوران‌دیشی و عاقل بودن زنان نسبت به مردان دیده می‌شود.

«مرد آب است، زن آب‌بند»

این ضرب‌المثل به طور خاص در مورد زن به کار رفته است و دیده می‌شود که به توانایی (عامل بودن) زنان توجه دارد و به صراحت بیان می‌کند که زن عاقل‌تر از مرد است و می‌تواند جلوی کارهای اشتباه مرد را بگیرد و زن را دوران‌دیش‌تر از مرد نشان می‌دهد.

ویژگی‌های شخصیتی دوگانه:

منظور از این ویژگی‌ها، آن‌هایی است که بر نقش زنان هم در بهبود و هم در زوال خانواده اشاره دارد از جمله: «از زن سلیطه و دیوار شکسته بترس»

زن ناسازگار به دیوار شکسته و نیمه خراب تشبیه شده که باعث بدبختی می‌شود و باید از وی دوری نمود.

«یه زنی هست که تاج به سر مرد می‌گذارد، یه زنی هست که خاک تو سر مرد می‌کند».

این ضرب‌المثل بیان می‌کند که بعضی زنان دارای ویژگی‌های مثبت و بعضی دارای ویژگی‌های منفی هستند. همین دو عامل می‌تواند باعث خوشبختی یا بدبختی مرد شود.

زنان و زندگی خانوادگی

در جوامع سنتی نقش زنان، نقش‌های همسری و مادری در چهارچوب خانواده تعریف شده است. خانواده از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای موجود در همه جوامع بشری است که با ازدواج این رکن مهم جامعه مشروعیت می‌یابد. بخش اعظم هویت زنان با ازدواج و ورود به این مجموعه شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود به همین دلیل برای زنان، ازدواج از جایگاهی ویژه برخوردار است، به این مسئله در ضرب‌المثل‌های بسیاری به شکل‌های مختلف پرداخته شده است. به عنوان مثال، ضرب‌المثل «شوهر آدم، پیراهن آدم است» اهمیت شوهر از نگاه زن را بیان می‌کند و تأکید دارد که شوهر برای زن همانند پیراهن برای زن مهم است.

هویت زنان و ازدواج

با توجه به اینکه در ضرب‌المثل‌های مختلف به مسئله ازدواج و اهمیت آن برای زنان و حتی تعجیل در آن اشاره شده است می‌توان چنین استنباط کرد که هویت و نقش زنان در خانواده و با ازدواج رسمیت می‌یابد. به ضرب‌المثل‌های زیر توجه نمایید:

- تعجیل دختر در امر ازدواج

«خانه داماد خبری نیست، خانه عروس خرابندان است»

این ضرب‌المثل به عجله و پیش‌دستی کردن زن نسبت به مرد در مسئله ازدواج اشاره دارد که حکایت از اهمیت ازدواج برای زنان نسبت به مردان بوده و توصیه به ازدواج در سن پایین نیز در ضرب‌المثل‌ها مؤید همین مطلب است؛ لذا مجرد بودن تهدیدی برای دختران محسوب می‌شده است زیرا همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد ازدواج سهم زیادی در شکل‌گیری هویت زنان دارد.

«گدا به چیزی نرسد، دختر بزرگ به شوهر نرسد»

این ضرب‌المثل ضمن توصیه به ازدواج به موقع و زود هنگام تهدید مجرد ماندن را نیز بیان می‌کند. ازدواج زود هنگام دختران این مزیت را دارد که تربیت و ساختن او بر اساس ملاک‌های مرد راحت‌تر انجام می‌گیرد.

- ازدواج، آغاز تربیت دوباره برای زنان

«بچه از چله، عروس از حجله»

یکی از عوامل مهم در فرایند شکل‌گیری شخصیت زنان در این منطقه ازدواج می‌باشد و مردان در اولین برخوردهای خود نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت زنان ایفا می‌کنند. همان‌گونه که یک مادر بچه را از چهل روزگی تربیت می‌کند مردان هم از حجله (آغاز زندگی مشترک) به فکر تربیت و ساختن زن هستند.

- **خشونت علیه زنان:** حکایت از ادب کردن زن و قرار دادن او در موضع فرمان‌برداری است.

«گربه را باید در حجله کشت»

اعتقاد به خوش‌یمن بودن و بد‌یمن بودن زن یکی از مفاهیمی است که در بعضی ضرب‌المثل‌ها به کار رفته است و به نوعی خشونت علیه زنان محسوب می‌شود. این اعتقاد به ویژه در مورد عروس وجود دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۱۱

«عروس از قدم، چوپان از کلاک»^{۱۵}

بعضی قدم عروس را خوش یمن می‌دانند و اعتقاد دارند که با ورود عروس به خانه داماد، برکت نیز وارد خانه داماد می‌شود و بعضی قدم عروس جدید را بد یمن می‌دانند و اعتقاد بر این است که اگر خانواده داماد با مشکلی مواجه شد به قدم نحس عروس برمی‌گردد.

منفعل بودن زنان در امر ازدواج

«دختر، کنار آستانه در بنشین که شناس تو از خراسان می‌آید»

مفهوم عمیقی از امیدواری را در بر دارد. در این ضرب‌المثل به دختری که دم بخت است و آرزوی ازدواج دارد گفته می‌شود که امید خود را از دست ندهد و چشم به راه باشد زیرا شوهر و خواستگار - که در این جا به شناس و خوشبختی تعبیر شده است - به سوی او می‌آید، هرچند ممکن است زمان و مکان آن طولانی باشد. واژه «خراسان» در این ضرب‌المثل، کنایه از زمان و مکان دور است. یعنی اگر امید داشته باشی، خوشبختی اگر در مکان دور هم باشد به سراغ تو می‌آید.

«عروس زیر تور بهش میگن زن کی هستی؟ می‌گویند: زن کا نصیب (هر جا که شناسم باشد)»

این ضرب‌المثل زنی را نشان می‌دهد که نمی‌تواند با اطمینان در مورد آینده خود صحبت کند و همواره دل نگران است. اوج و اهمیت این دل‌نگرانی تا آنجاست که حتی با پوشیدن لباس عروس و آماده شدن برای رفتن به خانه شوهر (زیر تور) هنوز اطلاع دقیقی از شوهر و زندگی آینده خود ندارد و بیان می‌کند که من همسر شناس هستم. یعنی اگر شناس من خوب باشد احتمالاً زندگی خوبی خواهم داشت و اگر شناس من بد باشد احتمالاً زندگی بدی خواهم داشت.

«معطلی بی‌بی از بی‌چادری است»

از دختران پا به سن گذشته مجردی حکایت می‌کند که نداشتن چادر شب عروسی را بهانه می‌کنند. بیان نداشتن چادر به این معنی است که این دخترها از نداشتن شوهر و ازدواج نکردن نگران هستند و از زندگی مجردی خود رضایت ندارند، اما نمی‌توانند آن را آشکار کنند.

^{۱۵} کلاک: نوعی چوب سر خمیده که چوپانان به دست می‌گیرند.

تحقیق و بررسی در مورد زن قبل از ازدواج و شناخت و آگاهی از مشکلات زندگی زناشویی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی هر مردی است. توصیه به تحقیق در مورد زن و مشکلات ازدواج باعث می‌شود که مرد با دور اندیشی کامل به تصمیم‌گیری در مورد ازدواج بپردازد و در این زمینه دقت لازم را داشته باشد. در ضرب‌المثل‌های گردآوری شده بیشترین تأکید بر این موضوع شده است و این‌گونه ضرب‌المثل‌های نصیحت‌گونه برای مردان نیز دارای بیشترین تعداد است.

هشدارهایی در مورد انتخاب همسر

«نامزد داری، لذت داری. زن داری، ماتم داری»

ضرب‌المثل‌های نصیحت‌گونه و تعلیمی است که به مردهای جوان دم بخت و یا نامزددار گفته می‌شود که جوانب امر ازدواج را در نظر بگیرد و با احتیاط عمل نماید. یعنی در دوران نامزدی خوشبخت هستی ولی بعد از عروسی مشکلات تو زیاد می‌شود و ممکن است خوشی نداشته باشی. بنابراین باید مواظب باشی.

«زن گرفتن یه شبه، دینگ دینگش هزار شبه»

این ضرب‌المثل نه فقط به ویژگی زنان، که زندگی زناشویی را در بر می‌گیرد. این ضرب‌المثل بیان می‌کند که زن گرفتن آسان است اما مسائل و مشکلات بعد از آن زیاد است و یک مرد باید قبل از ازدواج دور اندیشی کامل داشته باشد و همه جوانب را در نظر بگیرد و بعد تصمیم به ازدواج بگیرد.

«عروس از راه دور آوازه (شهرت) داره»

بیانگر پیچیدگی زنان و هشدار به مردان در زمان انتخاب همسر می‌باشد که زن هنگام ازدواج، بعضی از مسائل زندگی خود را از مرد پنهان می‌کند و مرد نیز از آن آگاه نمی‌باشد. همچنین از توصیه‌های دیگر به مردان این است که نباید با زن بی‌هنر ازدواج کرد.

«کی تعریف عروس می‌کنه؟ مادر عروس»

«دختر اگر کارهای بود، خونه باباش نگاری بود»

یعنی اگر دختر هنری داشت، در خانه پدرش، هنرش نمایان می‌شد. در این ضرب‌المثل به مرد توصیه می‌شود که وقتی دختر در خانه پدرش است به کارهای او توجه کند و اگر شایستگی داشت او را برای ازدواج انتخاب نماید چرا که اصلاح‌پذیری کاری سخت است.

توصیه به دقت در مورد ظاهر زن نیز از دیگر نصیحت‌های قبل از ازدواج به مردان است.

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۱۳

«زن زیبا مال همه است، زن زشت مال خودته»

این ضرب‌المثل به نوعی زیبایی ظاهری زن را نکوهش کرده و بیشتر جنبه‌های باطنی زن را در ازدواج مؤثر می‌داند. در مقابل این همه توصیه به مردان در انتخاب همسر و توجه به ابعاد مختلف همسرگزینی، عدم حضور و سهم زنان در هنگام تصمیم‌گیری در انتخاب همسر، بی‌اطلاعی وی از مسئله ازدواج، اجباری بودن ازدواج و بیان مشکلات و نگرانی‌های روانی زن در ضرب‌المثل مشاهده می‌شود. این مسئله از جمله مسائلی است که در گذشته جامعه لامرد رواج زیادی داشته و امروزه از شدت آن کاسته شده است، زن در انتخاب شوهر دخالتی ندارد و تابع تصمیم والدین است، هر چند نمی‌تواند مخالفتی کند اما نگرانی‌های خود را در جاهای دیگری آشکار می‌کند.

باورهای تقدیرگرایانه در مورد زنان

یکی دیگر از مفاهیم رایج در میان تعدادی از ضرب‌المثل‌ها، اعتقاد به شانس و خوشبختی ذاتی عده‌ای از دخترها و بدشانسی و بدبختی ذاتی عده‌ای دیگر از دخترهاست.

«نان پاره پاره و ناصاف را کی پخته؟ خانمی که بالا خوابیده، این نان زیبا را کی پخته؟ اون که پیشانی‌اش را در این دنیا از دست داده»

بیان می‌کند که دخترانی که صاحب هنر هستند در این دنیا طالع و مقام ندارند و بی‌هنران و دختران نالایق (خانمی که بالا خفته) جایگاه و ارزش پیدا کرده‌اند و مورد احترام هستند.

- زن و اقتصاد خانواده

یکی از مسائل قابل توجه در جامعه لامرد، مسئله اقتصاد خانواده است. در این جامعه بنا به شرایط اجتماعی مرد در اکثر اوقات دور از خانواده است، اقتصاد و مسائل اقتصادی را زن اداره می‌کند. این مورد نه به عنوان حقی برای زنان، بلکه به خاطر اجبار شرایط اجتماعی است و مرد مجبور است اداره اقتصاد خانواده را به زن واگذار کند. این موضوع به ابزاری تبدیل شده که در زمان بروز اختلاف بین همسران، زن، شوهر را مقصر می‌داند و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند که به شوهر خود ضرر برساند. زنی که اقتصاد خانواده را در دست دارد یکی از بهترین راه‌های ضرر رساندن به شوهر را ضرر اقتصادی و مالی می‌داند.

«هر که شوهرش را نمی‌خواهد، ایستاده آرد می‌بیزد»

زنی که با شوهر خود اختلاف دارد و دوست دارد از او جدا شود به شوهر خود ضرر مالی می‌رساند و امید دارد که از این راه به مشکلات شوهر بیفزاید و او را وادار به جدایی از خود کند. مفهوم آرد را ایستاده بیختن این است که آردها را باد ببرد و به شوهر ضرر برساند.

تفاهم و سازگاری بین زن و شوهر در زندگی زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از عوامل خوشبختی خانواده، تفاهم و سازگاری میان زن و شوهر است که مستقیماً بر تمامی جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. گروهی از ضرب‌المثل‌ها بیان‌گر تفاهم زن و شوهر در زندگی است.

«خدا در و دریچه را مناسب هم ساخته است»

این ضرب‌المثل که بسیار کاربرد دارد در مورد زن و شوهرهایی گفته می‌شود که در زندگی دعوای کمتری دارند، شرایط همدیگر را درک می‌کنند و در امور زندگی به هم دیگر کمک می‌کنند.

اشاره به مشکلات زندگی زناشویی

از آن‌جا که در گذشته بسیاری از ازدواج‌ها مصلحتی بوده و انتخاب از روی آگاهی نبوده است، بنابراین زمینه‌های فراوانی برای بروز اختلافات وجود دارد. زن یا شوهری که از ازدواج ناراضی باشد، همواره به دنبال بهانه و فرصتی است که از همسر خود جدا شود.

«نخواستن یار، بهانه بسیار»

این ضرب‌المثل، هم در مورد زن و هم شوهر به کار گرفته می‌شود و نشان می‌دهد که زن و شوهر اگر همدیگر را دوست نداشته باشند به دنبال بهانه‌جویی‌های فراوان از یکدیگر هستند.

«کینه شکم چهل روز است، کینه شوهر چهل سال»

ازدواج اجباری اختلاف و ناسازگاری عمیقی را بین زن و شوهر به وجود می‌آورد. گاهی این اختلاف‌ها بسیار ریشه‌دار و عمیق است و این زنان هستند که بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

«چه خوش است بی‌مردی (بدون مرد بودن)، کوچه به کوچه بگردی»

این ضرب‌المثل هرچند ظاهری طنزگونه دارد اما دارای مفهوم عمیقی است و نشان می‌دهد که زن با شوهر خود اختلاف دارد و شوهر جلوی آزادی‌های او را گرفته است. در این ضرب‌المثل زن آرزو می‌کند که بدون شوهر باشد و آقابالاسر نداشته و آزاد و رها باشد. به طور یقین منظور از زن در این ضرب‌المثل، زن شوهردار است. زیرا زن مجرد، خود تا حدی از آزادی برخوردار است و احتیاج به چنین بیانی ندارد.

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۱۵

چندهمسری یکی دیگر از مسائلی است که بعضی خانواده‌ها در این منطقه با آن درگیر هستند. مردانی که به هر دلیلی همسر دوم را انتخاب می‌کنند، خواه ناخواه با مشکلاتی مواجه می‌شوند. علاوه بر مشکلات و مشاجراتی که بین دو هوو به وجود می‌آید در امور زندگی نیز اختلال ایجاد می‌شود و بیشتر مشکلات پدید آمده دامن‌گیر خود مرد می‌شود.

«عروس لُکو، برس و بگو» و «مرد دو زنی جایش تو مسجد است تو رودخانه نمکی است»

به وضوح بیان می‌کند که مشکلات دو همسری علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای زنان دامن خود مرد را می‌گیرد تا جایی که مرد در خانه هیچ کدام از همسران خود جایی نمی‌یابد.

«خونۀ دو کدبانو، گل (خاک) خوابیده تا زانو»

این ضرب‌المثل ناسازگاری بین دو هوو را زمینه بروز مشکل و اختلال در امور زندگی و کارهای روزانه بیان می‌کند. تبعیض در میان زنان نیز یکی دیگر از مسائلی است که زنان با آن مواجه می‌باشند.

«این طرف سرما، آن طرف گرما»

این ضرب‌المثل گویای نوعی تبعیض بین عروس و دختر از سوی مادر شوهر است و ابراز ناراحتی عروس از این وضعیت است. زنان همچنین از دخالت دیگران در امور زندگی خود نیز شکایت دارند:

«نه زن محمد سلیمان هستم، می‌گویند چند تا بچه داری؟»

شکایت زنی را نشان می‌دهد که دیگران در زندگی او دخالت می‌کنند و خواهان عدم دخالت دیگران در زندگی و امور شخصی خود است؛ لذا یکی از مشکلات زندگی زناشویی دخالت‌های نابجای دیگران است.

نقش زنان در تربیت فرزندان

یکی از نقش‌های تعریف شده برای زنان در خانواده نقش مادری است که در تربیت فرزند و به‌خصوص فرزند دختر بسیار پررنگ می‌باشد. این مورد در گروهی از ضرب‌المثل‌ها نیز بازتاب یافته است که نشان از اهمیت نقش و جایگاه مادر در تربیت فرزند است.

«خاک خوب از تاک خوب، دختر خوب از مادر خوب»

یعنی مادری که خود دارای ویژگی‌های مثبت است، دختری با ویژگی‌های مثبت تربیت می‌کند.

«مگنای (روسری) مادر سر دختر است»

بیان اهمیت نقش مادر در الگوهای رفتاری به خصوص برای دختران است و دختران همان گونه رفتار می کنند که مادران خود رفتار کرده اند. علاوه بر این مادر در تربیت فرزند همواره با مشکلاتی روبه روست و زحمت زیادی متحمل می شود. به ویژه اگر فرزند بازیگوش باشد، زحمت مادر بیشتر می شود. گاهی مادر با گفتن ضرب المثل هایی سعی می کند هم کودک را آرام کند و هم به خود آرامش بدهد.

«جیگرم از دست تو خراب شد»

«دلیم را تو دیگ گذاشتی».

«دلیم از دست تو خون شد»

این ضرب المثل ها بیانگر نوعی تقاضای عاجزانه مادر از کودک است و از کودک درخواست می کند که کمتر او را آزار بدهد. این ضرب المثل ها اوج ناراحتی مادر را آشکار می کند و نشان از مشکلات زیاد مادر در تربیت فرزند است. همچنین بی توجهی فرزند نسبت به مادر در این مثال ها آشکار است.

سلطه مردسالاری

یکی از مسائلی که زنان در سطح جهانی با آن روبه رو بوده اند نظام مردسالاری است که با محدود کردن زنان به پرورش کودکان و ارائه خدمات خانگی و جنسی، سلسله مراتبی را ایجاد کرده است که زنان همواره فرودست و مردان در موقعیتی برتر قرار می گیرند.

مشکل زنان تنها این نیست که مردان زنان را شیئی سازی می کنند و سپس این شیئی سازی در متون فرهنگی ارائه می شود، بلکه مشکل این است که الزامات روان شناختی که سابقاً این متون را ارتقا می داد، تثبیت شده و پس از آن توسط آن ها تکرار شده است. علائق عمیق ناخودآگاه ما در مسیری پدرسالارانه ساختار بندی شده اند، آن گونه که آنچه ما می خواهیم و بودن خود را به عنوان مرد یا زن در او درک می کنیم، در جریان هایی شکل گرفته که برای زنان بسیار زیان آور است (بکا و سیموندز^{۱۷}، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر همان گونه که در مرور نظری تحقیق آمده می توان گفت که ضرب المثل ها آشکارا با ظواهری برهانی در نظام پدرسالاری ای قرار دارند که مدام در حال تولید و باز تولید از طریق راز برتری مردانه هستند. به عقیده فوکو این «روش های مشروعیت سازی» به گونه ای بحث برانگیز تنظیم و بازتنظیم شده است (رزاقی: ۱۳۸۷). میان روش هایی که ضرب المثل ها ارائه کننده نقش ها، موقعیت ها و هویت زنان در کشورهای مختلف هستند،

17. Becca & Simonds

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۱۷

رگه‌های بسیار قوی بین فرهنگی وجود دارد. در جوامعی که از لحاظ ساختاری بی‌ثبات هستند، به صورتی نظام‌مند از منابع زبانی برای جاودانی و همیشگی کردن نابرابری استفاده می‌شود. همه ضرب‌المثل‌ها به شکلی مستقیم یا غیر مستقیم نشان‌دهنده کلیشه‌های فرهنگی درباره مردان و مردانگی هستند، تا این کلیشه‌ها بتوانند پایه و اساسی برای تولید و باز تولید استدلالی (برهانی) جنسیت و نیز وزن دادن به دوام افکار و فعالیت‌های زنان و ثابت ساختن موقعیتشان در جامعه باشند (حسین: ۲۰۰۹).

نتیجه

در این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های محلی شهرستان لامرد فارس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی پرداخته شد و در بخش تحلیل دو مفهوم محوری فرعی ۱- ویژگی‌های شخصیتی زنان و ۲- زنان در خانواده و یک مفهوم واحد مردسالاری به دست آمد.

محور اول ضرب‌المثل‌ها شامل ویژگی‌های شخصیتی زنان از جمله فتنه‌گری، عیب‌جویی، کینه‌توزی، بی‌هنری، دخالت نابجا در امور مردانه، خوش‌گذرانی بی‌مورد، ناتوانی در حل مشکلات زندگی، توجه به ظواهر زندگی و... می‌باشد. همچنین در این دسته نیز تعداد معدودی از ضرب‌المثل‌ها نگاهی ویژه به زن داشتند و زن را نسبت به مرد دوراندیش‌تر، عاقل‌تر و باعث خوشبختی مرد می‌دانند. برهانی شهرستانی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی رسیده و معتقد است ویژگی‌هایی که برای زنان در ضرب‌المثل‌ها آورده شده بیشتر جنبه منفی داشته و دیدگاه منفی جامعه نسبت به زنان را نشان می‌دهد.

در محور دوم ضرب‌المثل‌ها به نقش‌های زنان در درون خانواده، ازدواج و اهمیت آن در زندگی زنان پرداخته شد. اگرچه ضرورت ازدواج در شکل‌گیری هویت زنان کاملاً مشهود است اما ضرورت تحقیق و بررسی در مورد انتخاب همسر، شناخت و آگاهی نسبت به ویژگی‌های همسر و مشکلات زندگی زناشویی در قالب توصیه‌هایی به مردان بیان شده است و زنان هیچ نقشی در تصمیم‌گیری برای آینده خود ندارند. در این دسته از ضرب‌المثل‌ها اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر و ازدواج‌های مصلحتی نیز بیان می‌شود. این دسته از ضرب‌المثل‌ها مشخص می‌کند که بیشترین آسیب وارده ناشی از اختلاف و ناسازگاری و ازدواج مصلحتی متوجه زنان است و آن‌ها بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. اگر چه تعدادی از ضرب‌المثل‌ها هم بیانگر وجود تفاهم در زندگی زناشویی است.

اهمیت نقش مادر و بیان رنج‌ها و سختی‌های او در تربیت فرزند نیز در این دسته از ضرب‌المثل‌ها مشاهده می‌شود. این تأکید به ویژه در مورد اهمیت تربیت فرزند دختر از سوی مادر است.

همان‌گونه که آندره میشل (۱۳۸۶) با مطالعه کلیشه‌های جنسیتی موجود در جوامع مختلف به این نتیجه رسید که با توجه به تصورات قالبی مشترک در جوامع نقش‌های اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای زنان بسیار کم رنگ‌تر از مردان است، جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های لامردی جایگاهی است که عموماً در چارچوب خانواده (حوزه خصوصی) مطرح است و نقش‌هایی که برای زنان تعریف می‌شوند، عمدتاً مربوط به درون خانواده می‌باشند. به عبارت دیگر هویتی که برای زنان قائل می‌شوند فقط در گرو ازدواج و تحت قیومیت مرد قابل تعریف است. مسائل و مشکلات زن در خانواده مرکز ثقل این ضرب‌المثل‌ها هستند. به عنوان مثال مسائل و مشکلاتی همچون تحقیق قبل از ازدواج در مورد زنان، نگاه منفی نسبت به مجرد دختران، عدم تصمیم‌گیری زنان در ازدواج، مصلحتی بودن ازدواج‌ها، عدم وجود علاقه و عشق در ازدواج‌ها، مفهوم مادری و مشکلات فرزند پروری، مسئله چند زنی، دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی، عدم قدرت زن در خانواده که این امر در عدم بها دادن به مشورت با زنان در خانواده مشاهده می‌شود. به بیانی دیگر زنان در ضرب‌المثل‌های لامردی به حوزه عمومی (قلمرو خارج از خانه) تعلق ندارند.

انواع خشونت علیه زنان در خانواده (از جمله خشونت کلامی و غیر کلامی، جنسی و ...) مانند «گره را باید در حمله کشت» و «اعتقاد به بدیمن بودن زن» و موارد دیگر، ناسازگاری زوجین، اعتقاد به خوش قدم و بدقدم بودن زن، توجه به زیبایی ظاهری و مادیات و ... همه ریشه در نظام نهادی شده مردسالاری دارد و می‌توان گفت «مَثَل فشرده افکار هر قومی است» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۴).

پس در این جامعه نیز این تصورات قالبی هستند که انسان‌ها را طبقه‌بندی، تفسیر، هدایت و تقدس‌سازی می‌کنند و در شکل‌گیری این تصورات قالبی یا شکل‌گیری نقش زنان در ضرب‌المثل‌ها عوامل متعددی مؤثر می‌باشند از جمله: جامعه‌پذیری جنسیتی کودکان و رواج کلیشه‌های جنسیتی درباره دو جنس در جامعه. این موارد ریشه در پدرسالاری یا سلطه مردانه حاکم بر جامعه دارد و موجب پدیدار شدن این عوامل از سطوح خرد و کلان، در تمامی عرصه‌ها می‌گردند. به عنوان مثال در افریقا ضرب‌المثل‌ها راهی برای بیان این مطلب هستند که چگونه ایدئولوژی جنسیتی به شکلی بحث برانگیز در برخی ضرب‌المثل‌های جنس‌گرا شکل می‌گیرد. چنانچه مطالعات مختلف نشان می‌دهند در بسیاری از جوامع هیچ رویکرد انتقادی نسبت به ضرب‌المثل‌ها مشاهده نمی‌شود تا چگونگی توانایی پنهان این ضرب‌المثل‌ها در جهت دستکاری

تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس ۱۱۹

کردن بی‌عدالتی‌های میان دو جنس را مورد توجه قرار دهند. تقریباً در تمامی کشورها چنین باورهای قالبی در مورد زنان وجود دارد. به عنوان مثال ضرب‌المثلی افریقایی می‌گوید: «اگر با زنی زیبا ازدواج کنی، با دردرس ازدواج می‌کنی». یا ضرب‌المثل دیگر افریقایی می‌گوید: «زن بدون مرد مثل زمین بدون بذر است». که بنا بر تعبیر حسین (۲۰۰۹) نشان‌دهنده خرد مردان است. همچنین یک ضرب‌المثلی سومالیایی می‌گوید: «خطرناک‌ترین چیز نیاز مرد به وجود یک زن است» (همان منبع). بک (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ضرب‌المثل‌ها موقعیت فرودست زنان در جامعه پدرسالار را نشان می‌دهد.

نظام پدرسالار نظامی است که در آن مردان و زنان دارای نقش‌های جنسیتی شده معینی هستند. این نظام موجب می‌شود که زنان راهی جز مشارکت در نقش‌های جنسیتی نداشته باشند و نمی‌توانند در مسیری غیر از این مسیر تعیین شده حرکت کنند. انواع مجازات و تنبیه‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای مؤاخذه زانی که از این سیستم جنسیتی غالب عدول می‌کنند وجود دارد. کلیشه‌های جنسیتی موجود در نظام پدرسالاری از طرق مختلفی همچون جامعه‌پذیری جنسیتی و انتقال بین نسلی تقویت می‌شوند. به گونه‌ای که در بسیاری موارد برای مثال در جمعی کاملاً زنانه حتی اگر مردی برای ایجاد یک هنجار جنسیتی وجود نداشته باشد این زنان هستند که این چنین هنجارهای جنسیتی را تقویت می‌کنند (فوکو، ۱۹۸۰).

منابع

- برهانی شهرستانی، محمدعلی (۱۳۸۵) زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایران و جهان، مشهد: انتشارات آرمان خرد.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیپها، تهران: نقش ونگار.
- پستمن، نیل (۱۹۷۹) زندگی در عیش مردن در خوشی، صادق طباطبائی، تهران: سروش، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ج ۵ و ۹ و ۱۳.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶) «بررسی ساختار ارسال مثل پژوهشی‌های ادبی»، پژوهش‌های ادبی، ۱۵ (۱۵)، بهار ۸۶، صص ۳۱-۶۲.
- رزاقی، محمد (۱۳۸۷) همنشینی با میشل فوکو با تأکید بر تاریخ جنسیت، موجود در سایت جم فلسفه.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم، علمی.
- ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۸) روان‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور، چاپ پنجم.
- کاکولی، مهدی (۱۳۸۵) خانم‌ها نخوانند، نیشابور: انتشارات شادیاخ.
- میشل، آندره (۱۳۷۶) پیکار با تبعیض جنسی (پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه از کلیشه‌های تبعیض جنسی)، محمدجعفر پوینده، تهران: نگاه، چاپ اول.
- طواط، رشیدالدین (۱۳۷۶) لطایف الامثال و طرائف الأقوال، تصحیح حبیبه دانش‌آموز.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴) معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانوهمایی، تهران: نشر هما.

- Bacca Cragin and Vandy Simonds** (2006) "The Study of Gender in Culture: Feminist studies/Cultural Studies" in *Handbook of the Sociology of Gender*, ed: Janet Saltzman Chafetz. Pp: 195-212, Springer.
- Beck, Rose Marie** (2005) Texts on Textiles: Provability as Characteristic of Equivocal Communication at the East African coast (Swahili), *Journal of African Cultural Studies*, 2: 131-160.
- Branch, Robin, Gallaher** (2005) Teaching The Old Testament Book of Proverbs Via A Play, *Christian Higher Education*, 4:57-69.
- Casey, Neil [et.al]** (2002), Television studies: The key concepts, *London & New York*.
- Foucault, Michel** (1980) Power/Knowledge: Selected interviews and other Writings of 1077-1984. New York: Routledge,
- Hill, Peter, S & Lyb, Heng, Thay** (2004) Women are Silver, Women are Diamonds: Conflicting Images of Women in the Cambodian Print Media, *Reproductive Health Matters*, 12:104-115.
- Honeck, Richard** (2000) A proverb in mind: The cognitive science of proverbial wit and wisdom, *journal of pragmatics*, 32: 627-638.
- Hussein, Jeylan, Wolyie** (2009) A Discursive Representation of Women in Sample Proverbs from Ethiopia Sudan, and Kenya, *Research in African literatures.*, No.3, 96-108.
- Kiyimba, Abasi** (2005) Gendering Social Destiny in the Proverbs of the Baganda: Reflections on Boys and Girls Becoming Men and Women, *Journal of African Cultural Studies*, 2:253-270.
- Santibanez, Cristian** (2010) Metaphors and argumentation: the case of Chilean parliamentary media participation, *Journal of Pragmatics*, 42: 973-989.
- Stalder, Dan** (2010) Proverbs Comfort Men, But Not Women, *Journal of Psychology Research*, Available on Proquest now.
- Yitah, Helen** (2009) Fighting with Proverbs: Kasena Women's Redefinition of Female Personhood through Proverbial Jesting, *Research in African literatures*, 3: 316-331.